نوع مقاله: پژوهشی
صفحات ۲۸۱ – ۲۶۵

مسئله اعتماد اجتماعی در نظام اجتماعی اسلام

حسن خیری [۱]

چکیده

امروزه یکی از مسائل اساسی جوامع غربی و جوامعی که متأثر از فرهنگ غربی هستند کاهش سرمایه اجتماعی است. اعتماد اجتماعی یکی از مؤلفه های اساسی سرمایه اجتماعی است. کاهش اعتماد اجتماعی بحران هویتی و فرهنگی را به دنبال داشته و این مسئله را در کانون توجه جامعه شناسان قرار داده است. جامعه اسلامی ما به میزانی که پای بند به آموزه های اسلامی است از این سرمایه برخوردار است. بدین روی هدف این مقال بررسی اعتماد اجتماعی در نظام اجتماعی اسلامی است. مقاله از روش توصیفی تحلیلی بهره جسته و موضوع را از ابعاد مختلف اعتقادی، اصول فقه، اخلاق اجتماعی و فقهی واکاوی نموده‌است. مفاهیمی چون "ایمان"، " مؤمن"، " متقی"، " برادر"، "ولایت مؤمنانه"،" کرامت انسانی"، " حق الله و حق الناس"، " مسلم"، " متشرع"، " متخلق"، " تعاون"، " تکافل"، " مواسات"، " قرض الحسنه"، " صدقه"، " وقف"، " عمل صالح"، " حسن خلق"، "تولی"، " حرمت "غیبت و تهمت و افتراء و اهانت" و دهها مفهوم دیگر حاوی معنای اعتماد اجتماعی است. در بحث اعتقادی به سنت های الهی و نقش توکل و اعتماد به وعده‌های الهی اشاره شده و در بحث اصول فقه بحث خبر واحد و بنای عقلاء به عنوان دو موضوع اساسی در زیر مجموعه اعتماد اجتماعی بررسی شده و در بحث اخلاق اجتماعی برخی اصول اخلاقی و رویه های پیشوایان دینی در تأکید بر اعتماد مؤمنان نسبت به هم و ضرورت برقراری رابطه برادرانه اشاره شده و در بحث احکام فقهی نیز برخی عناصر زیرساختی، ساختی و عاملیتی مقوم اعتماد اجتماعی تشریح گردیده‌است. از جمله عناصر ساختی مطرح در این مقال عبارت است از: خاستگاه کتاب، سنت و عقل، ابتنای بر حکمت‌نظری و عملی، تفکیک حق‌الله و حق‌الناس و رابطه اخوت، بنوت، نبوت و امامت. نتیجه آنکه بسیاری از احکام اخلاقی، فقهی اسلام به صورت ساختاری یا عاملیتی، مستقیم یا غیر مستقیم به تقویت اعتماد اجتماعی منجر می‌شود و در عین حال فرد و جامعه را از اعتماد بی‌جا برحذر می دارد.

واژگان کلیدی

اعتماد اجتماعی، اخلاق اجتماعی مقوم اعتماد اجتماعی، احکام فقهی مقوم اعتماد اجتماعی.

---

۱. دانشیار گروه جامعه شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
Email: hassan.khairi@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۹ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۳/۱۶

طرح مسأله

اعتماد اجتماعی سازوکار انسجام بخشی است که با ایجاد تجانس و تفاهم موجب پایداری و تسهیل روابط و مناسبات اجتماعی می گردد.

عناصری در دین اسلام وجود دارد که زمینه افزایش و یا کاهش اعتماد به دیگران است. مفاهیمی چون " مؤمن"، " متقی"، " برادر"، "ولایت مؤمنانه"، ملاحظه کرامت انسانی"، " حق الله و حق الناس"، " مسلم"، " متشرع"، " متخلق"، " تعاون"، " تکافل"، " مواسات"، " قرض الحسنه"، " صدقه"، " وقف"، " عمل صالح"، " حسن خلق"، "تولی"، " حرمت "غیبت و تهمت و افتراء و اهانت" و دهها مفهوم دیگر حاوی امکان یا تشویق به اعتماد در برخی روابط و مناسبات اجتماعی است.

از سوی دیگر برخی از مفاهیم حاوی بی اعتماد و دقت در مراودات اجتماعی است. مفاهیمی چون" فاسق"، " فاجر"، " ظالم"، " طاغوت"، " منافق"، " کافر" ، " تبری"و دهها مفهوم دیگر.

در قرآن کریم دستوراتی وجود دارد که حاوی ضرورت اعتماد فردی و اجتماعی است نظیر الگو و اسوه اعلام شدن رسول خدا(ص) .(احزاب:۲۱)ّ و حضرت ابراهیم (ممتحنه:۴) و دستور به اطاعت کردن از خداوند و رسول خدا(ص) و اولی الامر(نساء، ۵۹) و برتر دانستن رسول خدا از خویشتن از سوی مؤمنان(احزاب:۶) و مذمت کردن عدم پیروی از رسول خدا و از سوی دیگر رسول خدا (ص) را بابت اعتماد به مؤمنان تمجید می کند. این موضوع آنقدر رواج داشته که منافقان رسول خدا را "اذن " که به معنای زودباور است به تمسخر گرفتند و خداوند این رویه را مایه خیر و برکت برای مؤمنان دانست. (توبه:۶۱) و نیز قرآن کریم از اعتماد کردن مؤمنان به برخی نهی کرده اند. نظیر نهی از اتکا به ظالمان.(هود:۱۱۳) و هشدار نسبت به اینکه رضایت یهودیان و مسیحیان وقتی اتفاق می افتد که از آنها پیروی کنید. (بقره ۱۲۱)

در این مقال بر آن هستیم تا به این پرسش پاسخ دهیم که رویکرد اسلام در روابط و مناسبات اجتماعی در خصوص اعتماد کردن یا بی اعتمادی چیست؟ آیا اصولا آموزه های اسلامی ما را به اعتماد به دیگران فرامی خواند؟ و اگر برای اعتماد اجتماعی شرایطی است آن شرایط کدام است؟

مفهوم شناسی

اعتماد(TRUST) در لغت به معنای تکیه کردن، واگذاشتن کار به کسي، اطمینان، وثوق، باور و اعتقاد تعریف شده است. (عمید، ۱۳۶۹،ص.۲۰۱)

اعتماد، لازمه شکل‌گیري پیوندها و معاهدات اجتماعی است. اعتماد اجتماعی، ایجادکننده تعاون و همیاري است و فقط در این حالت است که در عین وجود تفاوتها قادر به حل مشکلات و انجام تعهدات اجتماعی می‌شویم. (ازکیا و غفاري، ۱۳۸۰ ، ص. ۲۷۸)

مبانی نظری

اعتماد اجتماعی به همراه مشارکت‌اجتماعی و انسجام‌اجتماعی از مؤلفه‌های اصلی سرمایه‌اجتماعی بشمار می روند. فروپاشی ساختارهای سنتی و فرهنگ جمع‌گرا و افزایش بی‌اعتمادی و هویت های تفردیافته و منزوی موجب شد تا توجه جامعه‌شناسان به این موضوع معطوف شده و از اعتماد اجتماعی، تولید شبکه تعاملات بین نهادی و شکل‌گیری ارتباطات مردمی در قالب انجمن‌های مردمی و پیوندهای صمیمی افقی و عرصه‌های تسهیل کننده تعاملات رسمی نظیر انتخابات و دموکراسی و زمینه‌های افزایش دهنده تعلقات جمعی و احساس تعهد اجتماعی (غفاري،۱۳۸۴، ص.۷۰) سخن به میان آورند.

جامعه شناسان در سه سطح خرد، میانه و کلان به ارائه دیدگاه‌های نظری درباره اعتماداجتماعی مبادرت کرده اند. برخی اعتماد را به عنوان یک امر فردي، بررسی کرده و آن را در ارتباط بسیار نزدیک با مفاهیمی مانند وفاداري، دگرخواهی، صداقت و نوع دوستی دانسته‌اند. فضای امید به پذیرش و حمایت و تأییداجتماعی نیز از زمینه‌های اعتمادزا خوانده‌شده‌است. آمادگی اعتمادکردن بیشتر در قالب فعال‌گرایی به جای انفعال‌گرایی عام ، خوش‌بینی به جای بدبینی ، جهت‌گیری معطوف به آینده به جای جهت‌گیری معطوف به حال داشتن ، آرزوهای بلند داشتن به جای آروزی های در سطوح پایین ، جهت‌گیری معطوف به کسب موفقیت به جای جهت‌گیری معطوف به دنباله‌روی و انگیزه نوآورانه به جای همنوایی و تقلید از ویژگی‌های شخصیتی اعتماد کننده است. (زتومکا، ۱۳۸۶، ص.۲۲۲)

برخی اعتماد اجتماعی را باعث افزایش قابلیت پیش بینی رفتارها شمرده [۱] و آنرا عامل اساسی در احساس آرامش جسمانی و روانی و در نهایت امنیت اجتماعی توصیف کرده‌اند. (قدیمی،۱۳۸۶،ص. ۳۳۵) برخی به عوامل تقویت کننده اعتماد توجه کرده اند.[۲] و برخی نیز فضایی که در آن اعتماد اجتماعی وجود دارد را مورد بررسی قرار داده اند. (همان،ص.۳۳۵)

---

۱. افرادی چون لومان

۲. پارسونز در بحث عناصر کنش متقابل

کلمن اعتماد را در بحث خرد مورد بررسی قرار داده‌است. او معتقد است در رابطه دوطرف اعتماد کننده داریم و اعتماد شونده و اعتماد کننده ریسک و خطر اعتماد را می‌پذیرد و طرف دیگر تصمیم می‌گیرد این ارتباط برقرار شود یا خیر.(کلمن: ۱۳۷۷، ص.۲۷۱، زین آبادی،ص. ۱۸) وبر رفتار عقلاني ارزشي را وابسته به وجود و حضور اعتماد مي‌داند. اعتمادي كه منشأ آن منافع فردي و گروهي است. اين اعتماد مي‌تواند نقش مهمي در انواع مشروعيت داشته‌باشد.

گیدنز در مباحث خود از سه نوع اعتماد بنيادي، شخصي و انتزاعي نام مي‌برد. به گفته وي در جوامع مدرن تحت تسلط نظام‌هاي انتزاعي، اعتماد بسيار مهم است. از نظر وي نياز به اعتماد با فاصله‌گيري روابط زماني و مكاني افراد در ارتباط است. به عبارتي ما درمورد كساني كه پيوسته در معرض ديدمان هستند و فعاليتهايشان را مي‌توان مستقيماً مورد بازنگري قرارداد نياز به اعتماد نداريم. اعتماد هنگامي ضروري مي‌شود كه در نتيجه فاصله‌گيري زماني و مكاني اطلاع كاملي از پديده‌هاي اجتماعي نداشته باشيم (ريتزر، ۱۳۷۷، ص.۷۶۸)

از نظر گیدنز بعد از خانواده و محله دین سومین عامل تولید اعتماد اجتماع است: این عامل به جهان بيني مربوط مي‌شود. عقايد ديني ممكن است منبع اضطراب يا حرمان شديدي باشند. از جهات ديگر، جهان بيني‌هاي ديني تأمين‌كننده تفسيرهاي اخلاقي و عملي از زندگي شخصي و اجتماعي و همچنين از جهان طبيعي هستند كه براي مومنان، محيطي آكنده از امنيت ايجاد مي‌كنند. چهارمين زمينه اصلي روابط مبتني بر اعتماد در فرهنگ‌هاي پيش مدرن خود سنت است. سنت، بر خلاف دين، به هيچ پيكره خاصي از عقايد و مناسك اطلاق نمي‌شود بلكه به معناي شيوه سازماندهي اين عقايد و مناسك، به ويژه در نسبت با زمان است. سنت روالمند است. سنت ذاتاً پرمعنا و نه صرفاً عادتي پوچ به دليل نفس عادت است. مناسك غالباً جنبه‌اي اجباري به سنت ميدهند، اما عميقاً آرامش‌بخش نيز هستند؛ زيرا مجموعه اعمال معيني را آكنده از كيفيت آييني مي‌سازند. بنابراين تا زماني كه اعتماد به پيوستگي گذشته، حال و آينده را حفظ مي‌كند و اين اعتماد را به اعمال اجتماعي قاعده‌مند متصل مي‌سازد، سنت به شيوهاي اساسي در امنيت وجودي سهيم است.(ريتزر، ۱۳۷۷، ص.۷۶۸)

فوکویاما در سطح کلان و با رویکرد اقتصادی به بررسی اعتماد اجتماعی می‌پردازد. و مبناي نظري و كانون تمركز او برحفظ سرمايه اجتماعي به عنوان مجموعه معيني از هنجارها و ارزش‌هاي غيررسمي است و اعضاي گروهي كه با يكديگر همكاري و همياري دارند، در آن سهيم هستند. از ديد فوكوياما اين ارزش‌ها و هنجارها بايد شامل سجاياي از قبيل صداقت، اداي تعهدات و ارتباطات دو جانبه باشد(فوکویاما، ۱۳۷۹، ص.۱۰، زین آبادی: ۲۸)

چلبی اعتماد را به شخصی و تعمیم یافته تقسیم می‌کند و معتقد است اعتماد شخصی بین افراد نزدیک مثل افراد خانواده که همدیگر را می‌شناسند اتفاق می افتد ولی اعتماد تعمیم یافته

عبارت از حسن‌ظنی است که به افراد یک جامعه گرچه آنها را نمی‌شناسد، تعلق می‌گیرد. (چلبی،۱۳۷۳ ص. ۱۳۷۰)

در ادامه به برخی از ابعاد موضوع در آموزه های اسلامی مبادرت می شود.

مباحث اصول فقهی مرتبط با اعتماد اجتماعی

اصول فقه عهده‌دار بیان ضوابط و قوانین مرتبط با استنباط احکام فقهی است. بسیاری از ابواب اصول فقه از جمله مباحث مرتبط با الفاظ و انواع حجیت‌ها به بحث‌های عرف باز می‌گردد که مستقیم یا غیر مستقیم به بحث سامان دادن پای‌دار روابط و مناسبات اجتماعی باز می‌گردد. به دو موضوع خبرواحد و بنای‌عقلاء در این خصوص اشاره می‌شود.

الف) خبر واحد

بحث اعتماد یا عدم اعتماد به اخبار افراد از موضوعاتی است که در قرآن و روایت و مباحث فقهی و اصولی بدان پرداخته شده است.

قرآن کریم جامعه را به دو گروه مؤمن و فاسق تقسیم می کند و در آیه ۶ سوره حجرات از مؤمنان می خواهد که به خبر فاسقات اعتماد نکنند (حجرات:۶) این موضوع باب این بحث را گشوده است که اصولا روابط و مناسبات در خصوص پذیرش اخبار دیگران چگونه باید باشد؟ اصولیین شیعه خبر را به متواتر و واحد تقسیم کرده اند. تردیدی در حجیت و قابل اعتماد بودن خبر متواتر نیست یعنی وضعیتی که در هر طبقه از نقل‌قول‌ها راویان زیادی خبر را گزارش کرده‌اند. اما در قابل اعتماد بودن خبر واحد یعنی گزارش یک نفره محل بحث است. برخی معتقد به حجیت (قابل اعتماد بودن) خبر واحد و برخی مخالف آن هستند. شیخ طوسی مدعی است که برای حجیت خبر واحد دلیل قطعی وجود دارد و دیگران همچون سید مرتضی منکر وجود چنین دلیلی هستند. مشهور فقهی شیعه خبر واحد بدون قرائن قطعی را از باب ظن خاص دارای حجیت می‌دانند. برخی خبر واحد حسی ثقه یا عادل را دارای حجیت می دانند. بدین معنا که خبر از روی حدس و گمان فرد گزارش نشده بلکه گزارشگر عادل دیده یا شنیده خود را گزارش می‌کند. سید محمد تقی حکیم قابل اعتماد بودن و اطمینان به اینکه فرد مخبر دروغگو نیست را معیار حجیت خبر واحد می‌داند. (الحکیم، ۱۴۱۸: ۲۱۸) و محقق اردبیلی روایت فرد عادل که عدالت او از طریق مجاری شرعی تأیید شده باشد را قابل پذیرش می‌داند. (المحقق المقدّس الأردبيلي جلد۸، صفحه۴۸) بنابراین آنچه از این مباحثات استنباط می شود این است که دین ما را به دقت در اعتماد به دیگران فرا می خواند. پذیرش گفتار فرد غیرعادل و فاسق را به صراحت نکوهش می کند و از این معنا استفاده می شود که گفتار فرد عادل می تواند قابل اعتماد باشد.

ب) بنای عقلاء

از مباحث مرتبط با اعتماد اجتماعی حجیت بنای عقلاء است. بنای عقلاء عبارت است از تکرار و استمرار عمل عقلاء در موضوعی از آن جهت که عاقلند. خواه دارای یک دین و مرام یا اهل ادیان و مذاهب گوناگون باشند. (کاظمی خراسانی، ۱۴۰۷ ق، ص ۱۹۳-۱۹۲.) پس بناي عقلاء عبارت است از روش عموم مردم در گفتگو و معاملات و روابط اجتماعی آنان مثل رجوع جاهل به خبره و عمل به ظاهر کلام. (ولایی، ۱۳۸۳، ص۱۲۷)

به بنای عقلا ء "سیره عقلا" هم گفته اند. و اگر منظور رفتار مشترک تمامی مسلمانان باشد از آن جهت که مسلمان هستند؛ آن را " سیره متشرعه" یا " سیره شرعیه" یا " سیره اسلامیه" گویند. (مظفر، ۱۳۷۰، جلد دوم :۱۵۲)

براساس حجیت بنای عقلاء به معنای اعم بحث این است که می توان طبق نظام اولویت‌بندی که شارع ارائه کرده و در علم اصول فقه بحث می شود به سیره و رویه عقلاء عمل کرد. سیره‌ای که از جهت عاقل بودن افراد در جریان است و به زبان و دین خاصی اختصاص ندارد و رویه عقلایی مخالفی نیز ندارد. این اعتماد اجتماعی روشی خردمندانه تلقی می‌گردد. بنابراین رویه هایی مثل شرب خمر و قماربازی و همجنس‌گرایی که نه اقدام کنندگان آنها از جهت عاقل بودن آنها را انجام می دهند و نه رویه مشترک بین همه عقلاء است از حجیت بنای‌عقلاء خارج شده و قابل اعتماد نیست. اما به عنوان مثال گروگذاری در معاملات به عنوان وثیقه عملی است که در بین عقلاء رایج است و شارع هم آن را رد نکرده است پس این رویه صحیح شمره می شود.

همگانی بودن و عمومیت داشتن سیره عقلا بدین معنا است که اگر هر عاقلی در چینی شرایطی قرار گیرد چنین رویه‌ای را خواهد پسندید و بدان عمل خواهد کرد. بنابراین به رسمیت شناختن حقوق معنوي از قبیل حق تألیف و اختراع و آثار هنري، سرقفلی و ... به رغم عدم مشارکت تک تک عقلاء، سیره هایی عقلایی به حساب می‌آیند.

نکته اساسی اینکه طبق نظر قریب به اتفاق فقه و اصولیین شیعه حجیت بنای عقلاء به حجیت سنت باز می‌گردد. یعنی بنای‌عقلایی حجت و قابل اعتماد است که تأیید و امضای شارع را داشته باشد و از نظر قول، یا فعل یا تقریر معصومین مورد تأیید قرار گرفته‌باشد. به عبارت دیگر، بنای عقلاء تنها جنبه کاشفیت و طریقیت دارد. یعنی بنای عقلاء به عنوان بنای‌عقلاء قابل اعتماد نیست بلکه از این جهت که این بنا تأیید شارع را دارد مورد وثوق است. بنابراین در بناهاي عقلایی، آن چه در حقیقت حجیت دارد، امضا و تقریر صادر از معصوم (ع) است و نه خود سیره.

بحث دیگری که در این مقام مطرح است این است که احراز عدم منع شارع لازم است یا عدم احراز منع. در صورت دوم اثبات عدم مخالفت شارع لازم نیست همین که مخالفت شارع

احراز نشده برای حجیت آن عمل عقلایی کافی است. (ر.ک دانشنامه جهان اسلام: ۲۴۳) محمد جواد مغنیه در سیره‌هاي عقلایی، « عدم احراز ردع » را کافی دانسته، اما به عقیده وي "مراد از سیره عقلاء همان عرف عام است، آن هم عرف عام از پیروان هر دین و مذهبی که علماي ما از آن به بناي عقلاء تعبیر می کنند. شارع مقدس اسلام رئیس و پیشواي اهل عقل و عرف است و در قانون گذاري اسلامی به عرف شناخته شده در میان مردم توجه شده و با همین عرف با مردم سخن گفته شده‌است(جهانخواه، ۱۳۹۰)

از آنچه گذشت می توان استنباط کرد که آنچه در نظام اجتماعی اسلام حائز اهمیت است استقرار روابط و مناسبات اجتماعی بر پایه‌ای است که موجب تحقق ارزش های الهی گردد. بنابراین سیره‌های رایج بین اقوام نیز آنچه به سرچشمه عقل و عقلاء باز می گردد و شارع آن را تأیید کرده یا ردعی و منعی نسبت به آن ندارد؛ قابل اتکاء تلقی می شود. پس اعتماد در اینگونه امور به رویه ها نیست بلکه به مقاصد حکیمانه حاکم بر روابط و مناسبات اجتماعی باز می گردد.

اخلاق اجتماعی مرتبط با اعتماد اجتماعی

نظام هنجاری از دو بعد اخلاقی و حقوقی تشکیل می شود. نظام هنجاری اسلام دارای ویژگی‌هایی است که می‌تواند به عنوان زیرساخت تأمین کننده اعتماد اجتماعی تلقی گردد. خاستگاه کتاب و سنت و عقل، ابتناء بر حکمت نظری و عملی، تفکیک حقوق به حق‌الله و حق‌الناس، برقراری ارتباطات اجتماعی بر مبنای رابطه اخوت، بنوت، نبوت و امامت و اعتقاد به سنت های الهی از اموری زیرساختی است که در تحکیم اعتماد اجتماعی میان مؤمنان مؤثراند.

با بهره گیری از آموزه‌های اسلام ، می‌توان برخی از اصول اعتماد اجتماعی را به شرح زیر بیان کرد : اصل وفاي به عهد و اداي امانت، رازداري[۱]، امانت و پرهیز از خیانت [۲] .(آیه ۸ سوره مومنون،آیه ۳۲ سوره معراج،)اخلاص و صداقت، نفی تجاوز[۳]، مساوات و عدالت[۴] و برتری با

۱. این اصل یکی از مصادیق وفای به عهد در روابط اجتماعی است این امر به قدری اهمیت دارد که خداوند برای این افراد در سوره بقره آیه۲۷۱ که چنین ویژگی دارند وعده غفران داده است، و این امر به نوبه خود موجد افزایش اعتماد در جامعه می شود.

۲. از مصادیق اعتماد و افزایش سرمایه اجتماعی جامعه است، که به صورت مکرر خداوند در قرآن به آن اشاره کرده است.

۳. چنانکه امیر المؤمنین خطاب به مالک اشتر بر رعایت انصاف بین همه مردم تأکید کردند و فرمودند انسانها دو دسته اند یا برادر دینی تو هستند یا با توجه به آفرینش برادرتو هستند

۴. اسلام هرگونه برتری جویی قومی و نژادی و بدون توجیه عقلانی را رد کرده وملاکبرتری را به تقوا داسته است.

ملاک تقوا (حجرات :۱۳)، پاسخگویی در نظام اجتماعی [۱] ، عدم تعمیم دهی و یک کاسه دیدن [۲]، نفی سو ظن (الحجرات:۱۳)،پذیرش عذر

بر مبنای آموزه‌های اسلامی با رویکردی کنشگرایانه، بر اعتماد به مؤمنان سفارش شده و بی اعتمادی مورد نکوهش قرار گرفته است. افراد با ایمان کسانی هستند که به خدا و مؤمنان ایمان دارند. (توبه:۶۱) و طبق بیان امام صادق (ع) ایمان به معنای تصدیق کردن خداوند و مؤمنان است. (کلینی، کافی، ج ۵، ص ۲۹۹، ح ۱) مؤمنان باید از بسیاری از گمان ها بپرهیزند که برخی از آنها گناه است. (حجرات : ۱۲) بد گمانی موجب از بین رفتن رفاقت و دوستی می شود و می‌بایست از سوءظن بپرهیزند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷ ص ۲۰۷) مؤمنان باید کار برادران مسلمان با ایمان را حمل بر صحت کنند و حتی اگر حمل بر صحت و درستی آن مشکل است تلاش کنند تا وجه خوبی برایش پیدا کرده و از هرگونه بدگمانی تا قبل از مرحله علم بپرهیزیم. (حر عاملی،۱۲: ۳۰۲/ أبواب أحكام عشرة ب۱۶۱ ح۳.) گمان بد کارها را فاسد کرده و انسان را بر کارهای زشت وا می‌دارد. (غررالحکم حرف سین لفظ «سوء)رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده : «کسی که به برادر خود سوءظن داشته باشد به تحقیق به خداوند بدی نموده است زیرا خداوند فرموده : «از بسیاری از گمان های بی اساس دوری کنید»(ری شهری، ج ۵ ص ۶۲۵)طبق آموزه‌های اسلامی نه تنها سوء ظن به برادران مسلمان ناپسند است بلکه از آنچه ممکن است موجب کدورت خاطر آنها شود و اعتماد آنها را تضعیف کند نیز برحذر داشته شده است. بر این مبنا غیبت گناه کبیره شمرده شده و با خوردن گوشت برادر مرده کراهت و زشتی کار تبیین شده‌است. (حجرات/۱۲)غیبت چیزی را پشت سر مسلمانی شناخته شده گفتن است که خود راضی به افشای آن نیست گرچه مطلب بدی نیز نباشد. در این آموزه‌ها با این دستورالعمل در حدیث قدسی که اهانت به مؤمنان همچون اعلان جنگ با خداوند است زمینه‌سازی برای اعتمادسازی و زدودن بسترهای اجتماعی تولید بی‌اعتمادی را به حد اعلا رسانده‌است .(حر عاملی، ۱۳۶۷، ۱۲، ابواب احکام عشره،)

در احکام اخلاقی اسلامی مؤمنان برادر یکدیگر خوانده شده‌اند (حجرات:۱۰)که برخی بر برخی دیگر ولایت دارند (توبه:۷۱) و حق تمسخر یکدیگر و طعن و عیب جویی یکدیگر و با

---

۱. بر این اساس وقتی آقازاده های مجرم و یقه سفیدان محاکمه و مجازات شدند اعتماد اجتماعی مردم جلب می‌شود . بنا بر آسیب شناسی پیشوایان دینی اقوام گذشته نابود شدند چرا که تبعیض روا داشتند یعنی پاسخگویی نخبگان جامعه تضعیف شده و نابرابری اجتماعی رخ نموده است.

۲. این خصلت بویژه در جوامع ابتدایی موجب بی اعتمادی است چه اینکه به جای قضاوت در مورد شخص در مورد موقعیت و جایگاه افراد قضاوت صورت می پذیرد بر این اساس اشتباه یک روحانی به تمام روحانیون تعمیم داده می شود و بی اعتمادی به یک نفر به کل آن صنف تسری داده می شود.قرآن می فرمود لاتزر وازره وزر اخری

القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد کردن، ندارند. (الحجرات) و نیز حق منت‌گذاری از دیگران را ندارند. (الحشر:۱۰)مؤمنان برای خود و برادران دینی پیش از خود طلب آمرزش می‌کنند و از خدا می‌خواهند که در دلهایشان حسد و کینه نسبت به برادران ایمانی خود نداشته باشند. (الحشر:۱۱)سرمایه آنها اعتماد و ایمان به خدا و رسول و انفاق با اموال و جانشان در راه اوست. (الصف:۱۱)آنان نه تنها باید حق برادری ایمانی را بین خود رعایت کنند بلکه نسبت به غیر مسلمانان نیز باید حق برادری در آفرینش را رعایت کنند و حق بی‌انصافی و بی‌عدالتی نسبت به آنها را ندارند.(نامه امام علی (ع) به مالک اشتر) مؤمنان آموخته‌اند که آنچه بر خود نمی‌پسندند بر دیگران نپسندند (نهج البلاغه ، نامه ۳۱) وخوب و بد کارشان به خودشان باز می‌گردد. (الجاثیه:۱۵) آنان مأمور به تعاون و همکاری بر نیکی ها و تقوا هستند و از همکاری در امور گناه و عدوان و تجاوز به حقوق دیگران برحذر داشته شده‌اند. (المائده:۲)آنان باید نسبت به هم تکافل کنند و مواسات و برابری را رعایت کنند. و اگر فاسقی علیه یکی از آنان چیزی گفت نباید بدان اعتناء کنند بلکه باید تحقیق کنند تا مبادا در حق او ناروا قضاوت نکنند.(حجرات:۶)

تأکید براعتماد اجتماعی بدین معنا نیست که مسلمانان را به سوی خوش‌خیالی و زودباوری و ساده‌لوحی بکشاند . مؤمنان کیّس و زیرک‌اند و در فضایی که بی‌اعتمادی بر آن حاکم است امور را حمل بر صحت نمی‌کنند. در چنین فضایی اصل بر بی‌اعتمادی گذاشته می شود. (مجلس،۱۴۰۳، ج۷۵، ص۳۷۰، باب ۲۸) و در میان خود نیز از آنچه زمینه‌ساز بی‌اعتمادی است پرهیز می‌کنند . لذا اگر معامله ای کردند شاهد می‌گیرند و به قول شفاهی بسنده نکرده و آن را می‌نویسند. (بقره:۲۸۲)

ازجمله زمینه های اعتماداجتماعی همراهی و همدلی با دیگران است. پیشوایان ما به نخبگان جامعه آموخته‌اند که مردمی باشند و با مردم پایین دست اجتماع همراهی کنند.(بمجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۲۰) سیره پیشوایان سرشار از تواضع و فروتنی بوده است. و آنان متکبر و خودخواه را به شدت مذمت کرده‌اند. (ابن بابویه، ثواب الاعمال :۶۲۷) و آنان را که دیگران را برخود ترجیح می‌دهند به بهترین نحو تمجید شده اند. (حشر :۹) و مسلمانی را که به امور مسلمانان رسیدگی اهتمام نمی‌ورزد را مسلمان واقعی ندانسته اند.(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶۴) بهترین مردم آنان هستند که بیشتر به مردم سود می‌رسانند. دنیا میدان مسابقه‌ای ترسیم شده که موضوع مسابقه آن خیرات و نیکی‌هاست و دستور داده‌شده که مسلمانان در این مسابقه که آمرزش الهی را به دنبال دارد سرعت بگیرند. (بقره:۱۴۸)اولیاء الهی خود در این راه پیش قدم بوده‌اند .[۱]

۱. قرآن کریم از سخن حضرت شعیب به قومش یاد می کند قصد من این نیست که چیزی بگویم و خود خلافش

انتقاد پذیری و پاسخگویی از اموری است که اعتماد اجتماعی را به همراه دارد. لذا انتقاد ناپذیری و خودبزرگ‌بینی سرزنش شده است. (بقره/ ۲۰۶) و مشارکت عمومی و مشورت گیری و توجه به افکار عمومی مورد تأیید قرار گرفته است . پیامبران مأمور بوده اند که به میزان فهم مردم با آنها سخن بگویند. (کلینی، اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۲۷) و مشارکت عمومی را تشویق کرده اند. (آل عمران:۱۵۹)و هیچ یاوری را چون مشاوره ندانستند. (نامه امام علی (ع) به مالک اشتر)

تقوای اجتماعی و تقوای فردی نیز از اموری است که در آن می توان تفاوت رویکردی به عنصر اعتماد اجتماعی را رهگیری کرد. در تصدی اموری که به مصالح کلی و منافع عامه مردم باز می گردد؛ نمی توان با اعتماد به داوطلبان تصدی کارگزاری نظام، زمینه واگذاری امور را به آنها فراهم کرد. بلکه باید به احراز شرایط مبادرت کرد. اعمال نظارت استصوابی در مقابل نظارت استطلاعی شورای نگهبان در احراز صلاحیت داوطلبان تصدی پست ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس شورای اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران بر این مبنا است. در پاره ای از امور شخصی مانند ازدواج که سرنوشت ساز می باشد، نیز، اصل بر احتیاط بوده و در این امور نیز اعتماد بدون مداقه نکوهش شده است.

اعتماد به متخصصین موضوعی عرفی و از مصادیق بنای عقلاء است. تقلید از مجتهدان از این قبیل است. این سیره رایج پیشوایان دینی است. دکتر سید حسن عارفی، پزشک معالج امام خمینی در خاطره ای از امام می‌گوید: «حضرت امام اهمیت زیادی به دستورات پزشک می‌دادند و در انجام موارد تجویز شده بسیار دقیق بودند».(jamaran.ir؛ خاطرات شنیدنی از دکتر عارفی پزشک معالج امام خمینی)

در اعتماد یا عدم اجتماعی می بایست به شرایط اجتماعی نیز توجه کرد. امام صادق می فرمایند: اِذا کانَ الزّمانُ زَمانَ جَورٍ وَ اَهلُهُ اَهلَ غَدرٍ فَالطُّمَانینَهُ اِلی کُلِّ اَحَدٍ عَجزٌ؛(مجلسی، ج۷۵، ص۲۳۹) "هرگاه زمانه، زمانه ی جور باشد و مردم آن زمان اهل نیرنگ باشند، اطمینان کردن به هر کس، ناتوانی است." همانطور که می بایست به مخاطب نیز توجه کرد امام جواد علیه السلام فرمودند:" مَنِ انقادَ إلَی الطُّمَأنینَةِ قَبلَ الخُبرَةِ فَقَد عَرَّضَ نَفسَهُ لِلهَلَکَةِ وَ لِلعاقِبَةِ المُتعِبَةِ؛ (حسن ابن محمد دیلمی، ص۳۰۹)) "هر کس پیش از آزمودن، تسلیم اطمینان شود (و قبل از امتحان، اعتماد کند) خود را در معرض هلاکت و فرجام رنج آور قرار داده است."

عمل کنم.»(هود:۸۸) امام علی(ع) با تأکید و سوگند، محوریت قانون برای همه- از جمله خود- را چنین بیان می‌کند: ای مردم! سوگند به خدا من شما را به هیچ طاعتی وادار نمی کنم؛ مگر آن که پیش از آن خود عمل کرده‌ام و از معصیتی شما را باز نمی دارم جز آن که پیش از آن ترک گفته ام.

همنوایی و همرنگی با جماعت از اموری است که در مباحث روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی به عنوان واقعیتی‌اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. آزمایش‌های مختلف نشان داده که انسان ها متأثر از دیگران هستند. قضاوت های مشابه جمعی یا در اکثریت بودن برداشت ها موجب می شود که افراد با جمع همنوایی کنند. همنوایی به سه گونه همنوایی متابعتی، همنوایی مشابهتی و همنوایی از روی اعتقاد و درون شدگی ارزشها تقسیم شده و نوع اول به دو قسم همنوایی اطلاعاتی و همنوایی هنجاری تفکیک شده است. همنوایی اطلاعاتی آنگاه اتفاق می افتد که فرد نسبت به موضوع، اطلاعاتی ندارد و به جمع اعتماد می کند و همنوایی هنجاری آنگاه اتفاق می افتد که فرد گرچه قضاوت و برداشت دیگران را نادرست می‌داند با وجود این فرد ریسک ناهمنوایی را نمی پذیرد و به قول معروف " گرخواهی نشوی رسوا همرنگ جماعت شو" یا " سری که درد نمی کند دستمال نمی بندند". بی تردید همنوایی هنجاری مورد نکوهش آموزه های دینی قرار گرفته است. چنانکه می فرماید: امام کاظم (ع) به هشام بن حکم فرمود: "یا هشام! لو کان فی یدک جوزة و قال الناس فی یدک لؤلؤة ما کان ینفعک و انت تعلم انها جوزة و لو کان فی یدک لؤلؤة و قال الناس انها جوزة ما ضرک و انت تعلم انها لؤلؤة."(ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۵).

ای هشام! اگر در دست تو گردویی بود و مردم گفتند مروارید است سودی به حال تو ندارد، در حالی که تو خود می‌دانی که آن گردو است. و چنان چه آنچه در دست تو است مروارید باشد ولی مردم بگویند گردو است، این گفته مردم نیز زیانی به تو نمی‌رساند، در حالی که خود می‌دانی که آنچه در دست داری مروارید است.

در اعتماد کردن به مخاطب نیز باید توجه کرد. امیرالمؤمنین (علیه‌السّلام) فرمودند: به کسی که رازت را فاش می‌کند، اعتماد نکن(. حیدری، محمد، ۱۳۸۰، ص۸۲،) این مضمون را در سفارش به شرایط انتخاب دوست نیز می توان رهگیری کرد. طبیعی است آدمی به دوست اعتماد می کند. راز خویش را می گوید و درد دل می کند و از او مشورت می خواهد. پس آنگاه که از دوستی با افرادی نهی شده استفاده می شود که آنها قابل اعتماد نیستند. از این قبیل است: دوست نشدن با فاجرو بدکار (مجلسی، ج۷۱، ص۱۹۱) نثار نکردن همه محبت و اعتماد و اطمینان به دوست و فاش نکردن همه اسرار در نزد او (مجلسی، ج۷۱، ص۱۷۷.)

از سوی دیگر آدمی می بایست در جهت جلب اعتماد دیگران بکوشد. پرهیز از موقعیت هایی که انسان را در معرض تهمت قرار می‌دهد از اموری است که مورد تأکید قرار گرفته است. امیر المؤمنین علی (ع) می فرماید کسی که خود را در موضع تهمت قرار می دهد کسی جز خود را سرزنش نکند. (نهج البلاغه، حکمت:۱۵۹)

احکام فقهی ضامن اعتماد اجتماعی

احکام فقهی برخی به صورت زیرساختی و ساختی و برخی موضوعی به تقویت اعتماد اجتماعی اهتمام دارد. بسیاری از احکام و دستورات مرتبط با چگونگی چیدمان ابنیه و فضای کالبدی در شهرسازی و شکل‌دهی به محله و جانمایی بازار و مسجد و دارالحکومه و نیز چگونگی نقشه منزل، زیرساخت‌هایی هستند که به افزایش اعتماد اجتماعی منتهی می‌شوند. "مسکن صرفا به معنای سرپناهی برای خانواده نیست؛ بلکه واحدی اجتماعی است که براساس اصول واحدهای همسایگی و یا اصول اجتماعی بنا شده است.

همسایه مفهومی محوری در روابط و مناسبات اجتماعی محلی و شهری است. رسول اکرم (ص) در حدیثی می فرمایند: همیشه جبرئیل مرا وصیت به همسایه می کرد تا جایی که گمان کردم همسایه از همسایه ارث می برد.(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۵۱) و نیز فرمود: همسایه تو از هر سو کسی است که بین خانه تو و خانه او چهل ذراع، یعنی بیست ذرع فاصله باشد. (کلینی،۱۴۰۷، ج۲، ص ۶۶۸) در آموزه های دینی پس از تعیین حد همسایگی، حقوق همسایگی تشریح شده است نظیر آیه ۳۶ سوره نساء که با عبارت"جار ذی القربی" و "جارجنب" احسان به همسایه مورد توجه قرار گرفته است. (نساء:۳۶) و حرمت همسایه آدمی مثل نفس اوست که نباید به اوضرر رساند».(کلینی،۱۴۰۷، ج۵، ص۳۲) علاوه بر تأکید بر حق همسایه احکامی نیز برای رعایت این حقوق بیان شده است از جمله بالانبردن دیوار به نحوی که مانع وزش باد شود. (مجلسی،۱۴۰۳، ج۷۹، ص۹۳) اجتناب از سلب امنیت همسایه به نحوی که قاعده لاضرر و لاضرار فی‌الاسلام برای این مهم صادر شد.

احکام کلاله و قسامه نیز اعتماداجتماعی را به لحاظ ساختاری تقویت می‌کند. کلاله آن است که در جرم غیرعمد به جای فرد خاطی اقوام او خسارت را جبران می‌کنند و قسامه آن است که در قتلی که شائبه عمد بر آن می رود[1] به دلیل وجود زمینه های سوءظن به فرد، خویشان نزدیک، بر بی‌گناهی خویشاوند خود، پنجاه بار قسم می خوردند.[2]

برخی از احکام زمینه بی‌اعتمادی را مسدود می‌کند. نظیر اینکه دستور داده‌شده در هنگام معامله تعهدات معامله نوشته شود و این راه غفلت‌ها و فراموشی‌ها و سوءاستفاده‌های بعدی را می‌بندند.

از جمله احکام ساختی مرتبط با اعتماد اجتماعی وجود احکامی است که آرامش بخش و اعتماد آفرین و تضمین معیشت برای فرد و جامعه است. از جمله تشویق به صدقه مستحبی و

---

۱. احکام مربوط به لوث

۲. بحث قسامه فقه

واجب چون خمس و زکات، قرض‌الحسنه، وقف و امور عام‌المنفعه. فرد در چنین جامعه‌ای نگـران قرارگرفتن در شرایط بی‌کسی نبـوده و جامعـه یـاری‌گـر او در شـرایط نیـاز خواهـد بـود. و ایـن یاری‌گری بدون منّت صورت می پذیرد. چه اینکه فرد به تکلیف و تعهد خویش عمل کرده‌است و جز این او را از جرگه افراد با ایمان خارج می‌کند. (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۱۶۳).

اعتماد به ظاهر ساختارهای‌اجتماعی در این مرام زاینده اعتماد اجتماعی است. از قبیل اینکه به صرف ظاهر مسلمانی افراد، حکم مسلمانی بار می‌شود .بازار مسلمانان قابـل اعتمـاد اسـت[1] و بدون نگرانی می‌توان خرید و فروش کرد و نیاز به کنکاش حلّیـت و مالکیـت و صـلاحیت افـراد برای معامله نیست. در امور غیرمعامله نیز به تناسب اهمیت اعتماد روا اسـت البتـه بایـد در امـور سرنوشت‌سازی چون اموری که به امور کلان اجتماع مربوط می شود دقت عمل بیشتری اعمـال کرد و نباید به ظاهر اعتماد کرد. چنانکه در امور مهم در زندگی شخصی چون ازدواج نباید اصالت صحت جاری کرد، بلکه باید هشیارانه موضوع را بررسی کرد.

امضای رویه‌ها و آداب و رسوم‌های رایج از اموری است کـه زمینـه سـاز اعتمـاد اجتمـاعی است، بی‌تردید دگرگونی آنچه در میان مردم رواج دارد، بدون منطق آشـکار و قابـل فهـم سـلب اعتماد را در پی دارد. امام علی(ع) به کارگزارانش چنین توصیه می کند: «آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند و ملت اسلام با آن پیوند خورده و رعیت با آن اصلاح شـدند، برهم نزن و آدابی که به سنت های خوب گذشته زیان وارد می کند، پدید نیـاور.(نامـه امـام بـه مالک اشتر)

امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه الهی است که ملاک و شـاخص جامعـه اسـلامی شمرده‌شده‌است. (آل عمران:۱۱۰) روح امر به معروف و نهی از منکر به همدردی ، همبسـتگی ، تعارف و تعاون و احساس مسئولیت و امانت داری و اعتماد اجتماعی باز می گردد. در حقیقت امـر به معروف و نهی از منکر نوعی ولایت عامه است (توبه آیه ۷۱)که آحاد مسـلمانان نسـبت بـه هم دارند.

۱. از این موضوع تحت عنوان سوق المسلمین در فقه یاد می شود.

نتیجه گیری

سرمایه اجتماعی با مؤلفه های اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی ضامن نظم اجتماعی است. مخدوش شدن اعتماد اجتماعی کاهش انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی را بردارد. فروپاشی عناصر سنتی در جامعه مدرن غرب، جامعه را در بحران هویتی قرار داد که غفلت جمعی و پخش مسئولیت[۱] و بی خانمانی هویتی[۲] و بلازه شدن[۳] از عواقب چنین وضعیتی است. ابتناء جامعه مدنی بر روابط و مناسبات قانونی و رسمی نیز نتوانسته سرمایه از دست رفته را بازآفرینی کند. این بحران فرهنگی و هویتی در جوامع غیر غربی پیرو مدل های غربی نیز وضعیت نگران کننده‌تری را به همراه داشته‌است.

وضعیت جامعه اسلامی ما، نیز، از این بحران در امان نبوده‌است. سرعت شهرنشینی، تغییر سبک‌زندگی بویژه با ورود فضاهای رسانه‌ای و مجازی و عدم آمادگی متولیان فرهنگی از یک سو و تبلیغات گسترده علیه ایستارها و هنجارها و ارزش‌های سنتی و بومی از سوی دیگر، سرمایه اعتماد اجتماعی را مورد هجمه قرار داده است. این در حالی است که موفقیت‌های چشمگیر در عرصه‌های مختلف بویژه در علوم و فنآوری اعتماد به نفس جامعه را افزایش داده است و تلاش متولیان در جبهه مقاومت فرهنگی نیز در بکارگیری روش های حفظ و بقای سرمایه های اجتماعی بی‌تأثیر نبوده‌است.

آموزه های دینی چه از نظر اعتقادی و چه اخلاقی و فقهی دارای عناصر زیرساختی، ساختی و عاملیتی است که مستقیم یا غیر مستقیم موجب تقویت و تحکیم اعتماد اجتماعی می‌گردد. و با اعتماد به این آموزه‌ها و تبیین آنها می‌توان در عصر هویت‌های تا اطلاع ثانوی[۴] و تفردیافته شاهد جامعه اسلامی مبتنی بر اعتماد اجتماعی بود.

از موضوعات مرتبط با اعتماد اجتماعی در اصول نظیر حجیت خبر واحد و بنای عقلاء استفاده می شود که اسلام مؤمنان را به اعتماد اجتماعی بین مؤمنان و احتیاط و دقت در روابط و مناسبات اجتماعی با غیر مؤمنان فرامی خواند. این دوگانه اعتماد و بی اعتمادی بر مبنای ایمان از یک سو و شرک و کفر و نفاق از سوی دیگر شکل می گیرد. فعل مؤمن حمل بر صحت می شود. سو ظن به مؤمنان ناپسند است و بازار مؤمنان حمل بر صحت می شود. این دوگانه اعتماد اجتماعی و عدم آن با توجه به موقعیت های اجتماعی، مخاطبین و محافظت از حریم خصوصی و تفاوت مصالح عمومی و مصالح شخصی و تفاوت مصالح شخصی از نظر اهمیت موضوع نیز مورد توجه قرار گرفته است.

---

۱. دواصطلاح روان شناختی اجتماعی برای ترسیم وضع موجود است.

۲. اصطلاح پیتر برگر در کتاب ذهن بی خانمان

۳. اصطلاح زیمل برای ایجاد اضافه بار و در نتیجه حالت بی تفاوتی است.

۴. اصطلاح گیدنز در تبیین بحران هویتی غربی

فهرست منابع

قرآن کریم
نهج البلاغه
۱. ابن بابویه، محمد ابن علی، (بی تا) ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه،علی اکبر غفاری، تهران: کتاب فروشی صدوق،
۲. ابن شعبه حرانی، (۱۳۸۲)، تحف العقول، تحصیح علی اکبر غفاری، قم: آل علی
۳. ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا،(۱۳۸۰) بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان، نامه علوم اجتماعی، بهار و تابستان، دوره ۹، شماره پیاپی ۱۷،
۴. آمدی تمیمی، عبدالواحد بن محمد،(۱۳۳۴) شرح غررالحکم و دررالکلم، قم: دارالکتاب،
۵. باهنر، ناصر(۱۳۸۷) ارتباطات در جامعه اسلامی متکثر فرهنگی، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، شماره ۲۱(قم : موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان ، ۱۳۸۷)
۶. بنیاد دایره المعارف اسلامی، (۱۳۶۲)، دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی
۷. جهانخواه، علی، (۱۳۹۰) جایگاه بنای عقلا در فقه شیعه، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره هفدهم، زمستان
۸. چلبي، مسعود، (۱۳۷۳) تحليل شبكه در جامعه شناسي، فصلنامه علوم اجتماعي، شماره۳
۹. حر عاملی، محمد ابن حسن، (۱۳۶۷) وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث
۱۰. حکیم، سید منذر حکیم،(۱۳۸۸) مجتمعنا فی فکر و تراث الشهید محمد باقر صدر، طهران، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، مرکز الدراسات العلمیه ،
۱۱. حکیم، محمد تقی، (۱۴۱۸) الاصول العامه للفقه المقارن : قم: المجمع العالمی لاهل البیت
۱۲. حیدری، محمد، روش دوست‌یابی، ترجمه سید محمدصادق عارف، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ش
۱۳. دیلمی، حسن ابن محمد، (۱۴۰۸)، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، مؤسسه آل البیت
۱۴. رحمانی، محمد، (۱۳۷۷) خبر واحد، نشریه: علوم حدیث ۱۳۷۷ شماره ۱۰
۱۵. ری شهری، محمد(۱۳۷۵) میزان الحکمهٔ، قم، دارالحدیث، چاپ اول،
۱۶. ریتزر، جرج، (۱۳۷۳) نظریه جامعه‌شناسي در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثي، تهران: انتشارات علمي،

۱۷. زتومکا، پیوتر،(۱۳۸۶) اعتماد: نظریه جامعه شناختی، ترجمه غلامرضا غفاری، تهران، نشر و پژوهش شیرازه،
۱۸. زین آبادی، مرتضی، (۱۳۸۷) اعتماد اجتماعی، تئوریها و نظریات مربوط به اعتماد اجتماعی در جامعه، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، پژوهشنامه شماره ۱۶ ،تابستان
۱۹. سبحانی، جعفر، (۱۳۷۷) کلیات فی علم الرجال، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، جلد۱
۲۰. صدر، محمد باقر، (۱۴۲۹) الاسلام یقود الحیاه،، قم : انتشارات دار الصدر،
۲۱. الصدوق ابو جعفر محمد بن علی، (۱۴۰۸) علل الشرایع، بیروت: مؤسسه الاعلمی ،
۲۲. الصدوق، ابو جعفر محمد بن علی، (۱۳۶۹ ش/ ۱۴۱۰ق) الامالی،بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات،
۲۳. الصدوق، ابو جعفر محمد بن علی،(۱۳۷۴) خصال، قم، کتابچی،
۲۴. علی مؤیدی،(۱۳۸۵) فرهنگ جامع سخنان امام هادی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول.
۲۵. عمید، حسن، (۱۳۶۹) فرهنگ عمید، چاپ سوم، تهران: امیر کبیر،
۲۶. عوده، عبدالقادر، (۱۳۷۳) حقوق جنایی اسلام، ترجمه اکبر غفوری مشهد بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول،
۲۷. فصیحی، امن الله و همکاران، (بی تا) نظم و انضباط اجتماعی در اسلام و شاخص های آن ، قم: مرکز بررسی راهبردی ریاست جمهوری ،
۲۸. فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۷۹) پایان نظم؛ سرمایه اجتماعي و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلي، تهران: جامعه ایرانیان،
۲۹. فیض، علیرضا، (۱۳۷۳) مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، سازمان چاپ و انتشار وزارت\ فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم،.
۳۰. قدیمی، مهدی، (۱۳۸۶) بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاههای زنجان، پژوهشنامه علوم انسانی: شماره ۵۳،بهار ،
۳۱. قمی، عباس، (بی تا) سفینۀالبحار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ، ج۲
۳۲. کاظمی‌خراسانی، محمدعلی(آخوند خراسانی)، (۱۴۰۷)، کفایۀ الأصول ، بیروت: مؤسسه‌الرساله
۳۳. کاظمی خراسانی، محمد علی، (۱۴۰۷) فواید الاصول، تقریرات درس مرحوم نایینی، جلد سوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق) الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج۲
۳۵. کلمن، جیمز، (۱۳۷۷) بنیاد نظریه‌هاي اجتماعي، ترجمه منوچهر صبوري، تهران :نشر ني.

۳۶. کلینی، محمد، (بی تا) اصول الکافی، ، تهران: انتشارات مسجد چهارده معصوم(ع)، ج۲
۳۷. گلشنی، مهدی، (۱۳۸۸) گزارش پژوهش ملی ایران و جهانی شدن، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
۳۸. گیدنز، آنتوني، (۱۳۷۷) پیامدهاي مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثي، تهران: نشرمرکز،
۳۹. گیدنز، آنتوني، (۱۳۹۳) تجدد و تشخص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر ني، چاپ ۹
۴۰. مجلسی، محمدتقی، (۱۴۰۳) بحار الانوار، بیروت: دار الاحیاء التراث، ج، ۱۰، ۱۷،۲۳، ۵۱، ۵۲، ۷۸، ۸۴، ۹۰،
۴۱. محقق مقدس اردبیلی، (۱۳۷۹) مجمع الفائدۀ والبرهان فی شرح إرشاد، قم: النشر الاسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۴۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰) مجموعه آثار، تهران: صدرا،ج ۱۶
۴۳. مظفر، محمدرضا، (۱۳۷۰) اصول الفقه، جلد دوم قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم
۴۴. ورسلی، پیتر، (۱۳۷۸) نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه سعید معیدفر، تهران: تبیان،
۴۵. ولایی، عیسی، (۱۳۸۳) فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، تهران: نشر نی، چاپ سوم،
۴۶. یوسف زاده حسن و کریم خانمحمدی، (۱۳۹۳)، ارتباطات میان فرهنگی بر اساس نظریه کنش دعوتی در تناظر با کنش ارتباطی هابرماس، قم: مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه، شماره اول، زمستان.